

نگاه

مشارکت مردم در امور شهری

علی فقیهی

■ یکی از مهم‌ترین عواملی که به تلاوم حیات بشر یاری رسانده‌اند است، همکاری و مشارکت میان‌انسان‌هاست. مشارکت شهروندان در اداره شهر و تصمیم‌گیری محلی همواره به عنوان یکی از شیوه‌های انسجام اجتماعی مطرح شده است.
عالی‌ترین نهاد برای تجلی مشارکت مردم در شهرها، شوراه‌ا و انجمن‌های شهر است. این نهاد به نمایندگی از تمام ساکنان یک شهر که دخالت و شرکت همه آنها در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها امکان‌پذیر نیست، به اداره امور شهرها و نظارت بر آن پرداخت. از طرف دیگر طرح‌های توسعه شهری است که به طور ساده می‌توان آن را عبارت از طرح جامع، طرح هادی و طرح تفصیلی دانست؛ نقشه که گسترش آتی شهر و اختصاص کاربردهای شهری را طی سالیان آینده مشخص و در مورد آنها برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری می‌کند. طرح‌های توسعه شهری به نحو بازاری پیوند همه‌مویه با زندگی شهروشنیان دارند و مشورت با شهروندان در تهیه و اجرای این طرح‌ها امری ضروری است. به عبارت دیگر چون فعالیت شهری برای مردم است، شهروندان باید در آن مشارکت داشته باشند. سازمان دادن هر فعالیت شهری بدون مشارکت مردم در هر جای دنیا به شکست منجر می‌شود. روشن است که طرح‌های توسعه شهری باید تطابق لازم را با نیازهای جامعه داشته باشند و آنها را منعکس کنند زیرا مردمی که سالیان سال در یک شهر و یک محل زندگی کرده‌اند، بهتر از هر کس دیگر نیازهای آن منطقه را شناختن و تشخیص می‌دهند. تهیه‌کنندگان این طرح‌ها می‌توانند بهترین رهنمودها را از مردم محله بگیرند. در میان شهروندان می‌توان به اهمیت ویژه شوراییاری‌ها در پیشبرد اهداف کلاتشهر مدیریت شهری اشاره کرد.

شوراییاری‌ها مردمی‌ترین نهادی هستند که موضوع مشارکت اجتماعی را به صورت ملموس و در پایین‌ترین سطح اجتماعی محقق کرده‌اند. در واقع می‌توان گفت شورای اسلامی شهر تهران برای تشویق مشارکت گسترده شهروندان در امور شهری به ویژه خدمات شهری، شوراییاران را تشکیل داده است. این نهاد مردمی در موضوع‌هایی که بر بخش خاصی از فعالیت‌های شهرداری تأثیر می‌گذارد، نفوذ مستقیم محلی را امکان‌پذیر می‌کند. به این ترتیب خدمات شهری متنوع با دگر گونی‌های محلی و تمایلات شهروندان، بهتر سازماندهی می‌شوند. بنابراین دخالت شهروندان در اداره امور



شهر موجب می‌شود مراحل سیاست‌گذاری اداره امور شهر با نظر جمعی صورت پذیرد و راحل نهایی نیز از پذیرش بیشتری در سطح محلات برخوردار شود. حضور شهروندان به خصوص شوراییاران که از افراد بومی محله‌ها هستند، می‌تواند در ارتقای سطح خدمت‌رسانی در محله‌ها مفید واقع شود زیرا آنها با مشکلات محلی آشوبی کافی دارند و می‌توانند در انعکاس آن به دست‌اندرکاران اجرایی شهر نقش مثبت داشته باشند. از این رو برای شکل‌گیری ارتباط و تعامل سازنده بین ساکنان محل با مسوولان ذی‌ربط، تشکیل نهادهای مردمی از جمله شوراییاری‌ها ضرورت دارد زیرا از این طریق می‌توان تعلق به جامعه را تقویت و روابط اجتماعی و فرهنگی را ایجاد کرد. ایجاد حس تعلق شهروندی با فراهم کردن فضای مشارکت فعال بین شهروندان محقق می‌شود. بر این اساس با توجه به حجم مشکلات پیش روی کلاتشهر تهران، شهرداری می‌تواند از توانایی‌ها و ظرفیت‌های شهروندان برنامه‌ریزی مدونی را طراحی کرده تا زمینه را برای ایجاد یک پارلمان شهری قدرتمند فراهم کند.

انجمن‌های محلی و رشد اجتماعی

نهادهای محلی از جمله شوراییاری‌ها می‌توانند با ارائه فعالیت‌های مختلف محلی به مردم و جلب کمک و همراهی آنها فرصت مناسبی برای شرکت در امور محل در اختیار همگان قرار دهند. بدیهی است که فعالیت شوراییاری‌ها امری ضروری و قابل قبول است، چراکه برای انجام امر مردم‌یاد از خود آنها کمک گرفت. اگر در قانون اساسی کشورها پیش‌بینی شده است سهم موثرتری برای شرکت در امور مملکتی و محلی به مردم داده شود، برای این است که ایجاد موثرترین و بهترین سازمان برای اتیل به مقصود یک امر اجتناب‌ناپذیر است و این هدف محلی نخواهد شد جز با تمرین در کار دسته جمعی به‌خصوص در سطح محل. چون در سطح محله‌ها به سبب اینکه مسایل مطرح شده در معرض دید اهالی است، مردم با تسلط بیشتر به چاره‌جویی می‌پردازند و با علاقه و صمیمیت زیادتر امور مربوطه را از زیبایی می‌کنند. تأمین منافع حیاتی و مستمر مردم در کار بزرگ کشورها هنگامی امکان‌پذیرتر می‌شود که امور کشوری به موازات تمایلات و خواسته‌های محلی پیش برود و تقویت و توسعه نیروهای محلی از بهترین عوامل تعیین‌کننده منافع ملی و محلی است.

گزارشی از صعود به شیرپلا در روز جهانی کوهستان

نبرد تن باتنبلی

ستاره جاوید

صعود به شیرپلا رویارویی با اراده است و نبرد تن باتنبلی؛ شیرپلا قلعه‌ای است بلندبالا در دل رشته‌کوه‌های البرز که از یک سو به توجال و از دیگر سو به درند می‌رسد و فرصت غنیمتی می‌سازد که شبی از ازدحام فرساینده شهر دست بکشی و رنج سفر را متحمل شوی تا در آرامش کوهستان بیاسایی.
درند، ابتدای ورودی تله‌سی، یز، ساعت ۱۴
پنجشنبه است. دو طرف خیابان درند تا گلو در ماشین‌های پارک شده فرورفته و رستوران‌های شیک آن مثل همیشه پرمرتسری؛ نهم باران، هوای تمیز و ورودی خلوت تهیه بلیت تله‌سی یز ذوق‌رهم می‌کند و سنگینی کوله را از یادم می‌برد. بلیت نفری سه هزار تومان است. منتظر می‌مانیم تله‌سی وارد ایستگاه شود. رابیر تله‌سی مختصر و مفید نحوه سوارشدن را می‌گوید و ما کوله‌هایمان را مثل کیسه کلتگور از جلوری سینه محکم می‌کنیم که بتوانیم درست سوار شویم. با ورود تله‌سی یز، سریع را یکی یکی در می‌کنیم و پیش می‌رویم. انتظار داشتیم «پس‌قلعه» می‌نامند، روستایی بسیار زیبا اما بکر با قهوه‌خانه‌های سنتی و تخت‌های تمیز. انار سرخ دانه‌شده و بوی چای و قهوه اشتهاپات را برای دمی استراحت قلقلک می‌دهد. مسیر، شیب ملایمی دارد. جز تبلیغات محدودی از مار کهای کوله‌پشتی وسایل کوهنوردی، چیزی نمی‌بینیم. قهوه‌خانه‌های خالی مسیر را یکی یکی در می‌کنیم و پیش می‌رویم. انتظار داشتیم رستوران‌های بین راه برروقت بر باشد اما انتظارم می‌جا بود، جلوتر که رفتم دیدم برخی رستوران‌ها با وجود زیبایی محل، به علت رکود تعطیل و متروک شدند. تمام مسیر مزین بود به زباله‌ا با دین زباله‌هایی که روی زمین ریخته یکی از دوستان با خونسردی می‌گوید: «ها هر دفه می‌آییم شیرپلا به گونی با خودمون می‌برایم انشا‌الله توی راه رو جمع کنیم». بالا رفتن از صخره‌ها سخت شده بود. پاهایمان را با احتیاط روی شکاف میان صخره‌ها قرار می‌دادیم و با پنجه‌ها خودمان را دو دستی بالا می‌کشیدیم و از کسانی که بازمی‌گشتند می‌پریدیم تا شیرپلا چقدر ماند؟ شاید جایی بگیریم و دوباره به جان راه بگیریم.

ارتفاع ۱۹۷۰ متر؛ انار دانه‌شده و پیرمرد فال‌فروش
بخش ابتدایی مسیر را با تله‌سی میان‌بر می‌زنیم و به روستای «پس‌قلعه» می‌رسیم. این روستا پشت‌سر «قلعه شمیران» قرار دارد و مردم محلی به دلیل شهرت سرقلعه این روستا را «پس‌قلعه» می‌نامند، روستایی بسیار زیبا اما بکر با قهوه‌خانه‌های سنتی و تخت‌های تمیز. انار سرخ دانه‌شده و بوی چای و قهوه اشتهاپات را برای دمی استراحت قلقلک می‌دهد. مسیر، شیب ملایمی دارد. جز تبلیغات محدودی از مار کهای کوله‌پشتی وسایل کوهنوردی، چیزی نمی‌بینیم. قهوه‌خانه‌های خالی مسیر را یکی یکی در می‌کنیم و پیش می‌رویم. انتظار داشتیم رستوران‌های بین راه برروقت بر باشد اما انتظارم می‌جا بود، جلوتر که رفتم دیدم برخی رستوران‌ها با وجود زیبایی محل، به علت رکود تعطیل و متروک شدند. تمام مسیر مزین بود به زباله‌ا با دین زباله‌هایی که روی زمین ریخته یکی از دوستان با خونسردی می‌گوید: «ها هر دفه می‌آییم شیرپلا به گونی با خودمون می‌برایم انشا‌الله توی راه رو جمع کنیم». بالا رفتن از صخره‌ها سخت شده بود. پاهایمان را با احتیاط روی شکاف میان صخره‌ها قرار می‌دادیم و با پنجه‌ها خودمان را دو دستی بالا می‌کشیدیم و از کسانی که بازمی‌گشتند می‌پریدیم تا شیرپلا چقدر ماند؟ شاید جایی بگیریم و دوباره به جان راه بگیریم.

کوه به کوه نمی‌رسد اما...

شب دندتر شده و می‌بارش. رفتن سخت‌تر. از اینجا به بعد ایستگاه هلال احمر (پایگاه امداد و نجات داوودی) شده بود. قله قاف ما، هرچه پیش می‌فتمیم مسیر صعب‌العوبرتر می‌شد و خط‌ناک‌تر. بالا می‌رفتم و نفس نفس می‌زدیم. در «گذر آق‌قهدی» تصمیم گرفتم کمی بنشینم و خستگی در کنم. رزج جوانی از کنارمان رد شدند. با صدای جیغی به خود آمدم. اول ترسیدم، بعد فهمیدم یکی از اعضای گروه دوستش را بعد از ۱۰ سال، اینجا، در گذر آق‌قهدی دیده‌ام. با هم گپ زدند و خاطر‌های گذشته را زنده کردند. همگی باهم گفتیم «کوه به کوه نمی‌رسه اما آدم به آدم توی کوه می‌رسه» گذر آق‌قهدی همان پل چوبی روی رودخانه است و بعد از آن دوراهی «اوسون». سمت راست پل به بند یخچال، پایگاه‌های شروین، چشمه جعفر و چشمه نرگس و سمت چپ به پایگاه امداد و نجات داوودی، پناهگاه خندان میوه و قله توجال می‌رود. از اینجا به بعد بیشتر، کوهنوردان حرف‌های و کسانی که تجهیزات کامل دارند پیش می‌روند. مسیر بند یخچال را هم صخرنوردان مجهزی انتخاب می‌کنند که هوای بالا رفتن از صخره به سرشان زده. ما مسیر چپ یعنی راه منتهی به شیرپلا را می‌گیریم و پیش می‌رویم. بعد از گذر آق‌قهدی، کوه‌چامه‌های تنگ بارک و گامیه‌گاه شاخه‌ای درختان میوه که از پشت دیواره‌ای کالگلی سرک کشیده و عابران را می‌نگرند، توجه‌مان را جلب می‌کند. آنها را پشت سر می‌گذاریم. بعد از کوه‌چامه‌ها و قهوه‌خانه‌های تنهای متروک، درست بعد از عبور از یک پل بربش‌بب به دو راهی اوسون رسیدیم. هتل زیبایی در ارتفاع ۲۲۰۰متری اوسون در انتظار میهمان خسته‌ای است. برای اقامت در هتل باید از قبل اتاق رزرو کنید. ما قصد ماندن نداریم. بعد از کمی توقف مسیرمان را به سمت شیرپلا ادامه می‌دهیم.

درست در دوراهی اوسون ستیج کوه، به اضافه خورشیدی که غروب می‌کرد تابلوی شاعرانه‌ای از هنرنمایی خدا را نشان‌مان می‌داد. ایستادیم و با تحسین تماشا کردیم. اینجا اقتدر زیبا بود که بچه‌ها می‌گفتند: «خدا یا دمت گرم! چه کردی!» کمی خستگی در کردیم و راه افتادیم. ساعت ۱۷ و ۲۷ دقیقه بود. درست دوساعت‌ونیم در حال بالا آمدن و نبرد با نیروی جاذبه زمین بودیم. صعود سخت‌تر است یا فرود؟ شاید صعود. به این فکر می‌کردم برای چه این همه راه سخت را بالا آمدم؟ دوستی گفتم: «بچه‌ها برگردید پشت سرتون رو نینگا کتین و به خودتون افتخار کتین. باورتون می‌شه که این همه راه رو اومدین و کوه رو دور زدین؟»

سنگ قبری در ارتفاع ۲۳۸۱متری

یک ساعت از شیب تند ی بالا رفتم تا رسیدیم به ارتفاع ۲۳۸۱متری. اینجا دوراهی غارپلنگ بود با دیوارهای سنگی کافه آبشار و قرارگاه امداد و نجات محمدرضا داوودی که از آن پایین پایین‌ها دیده بود. قله قاف ما، مسیر به راستی سخت بود و نفس گیر. سنگ قبری به حالت ایستاده از گرانبت سیاه منقش به صورت دو جوان توجهم را جلب کرد. روی آن نوشته بود: «اینجا آرامگاه مهندس «محمدعلی صادقین» و مهندس «جیما قباد» کوهنوردان جوانی است که دفتر زندگی‌شان در تاریخ ۸۴/۲/۲۷ حین صعود به شیرپلا با سقوط از دوراهی غارپلنگ بسته و روحشان به جهان آفرین تسلیم شد.» نگاهی به پایین دره انداختم. عمیق بود و خطرناک. دوست داشتم بدانم حین سقوط درست در واپسین قایق زندگی به چه فکر می‌کردند، به اهداف ناتمام؟ به عزیزان؟ به پایان زندگی؟ سقوط و ناگهان تمام. به همین راحتی جز سنگی و یادی، چیزی باقی نمانده. دلم گرفت. یاد لیلای اسفندپاری افتادم. قهرمان تیم‌لی. او نیز چندی پیش در هیمالیا سقوط کرد. طبق وصیتاش جشش را در بیس کمپ دفن کردند. ساختمان دو طبقه قرارگاه که سال ۶۹ ساخته شده بسیار ساده است و ابتدایی، بلکان فلزی در سمت چپ، میز کوچکی در وسط، یک تخت، کمد کمک‌های اولیه و یک آشپزخانه کوچک کل دکور را تشکیل می‌دهد. «مصطفی الیاسیان» نماینده هیات کوهنوردی و صعودهای ورزشی استان تهران مستقر در پایگاه امداد پایین می‌آید. با خوش‌رویی رویه‌رویم می‌نشیند می‌گوید: «استقرار نیروها در منطقه شیرپلا، از سال ۸۶ فراخوان و گزینش هیات کوهنوردی استان تهران شکل گرفت. بعد از آن، هفت نفر در این پست مستقر شدیم و طبق برنامه ستاد پنجشنبه‌های صبح می‌آییم و عصر جمعه برمی‌گردیم. داوطلبانه» الیاسیان که حرف‌های کوهنوردی می‌کند، می‌گوید: «هر خلاف صورت عام، اصل کار ما رستمان شروع می‌شود. چون مسیر شیرپلا در زمستان به دلیل برف یا یخ‌زدگی بسیار خودتان از بالا بکشید. نایی نداریم و

قدرت بدنی‌مان کم آورد. این را از توقف‌های یخ‌ریزهای مان می‌توان فهمید. جز روبه‌های کوچولوی پایین دره‌ها، سرما و صدای آب چیز دیگری نیست. ۲۵ و ۱۹ دقیقه به شیرپلا می‌رسیم. قلای شیبیه شیر که از هر یالش آبشاری به پایین سرازیر می‌شود. ابهت و ابهام شیرپلا لحظه‌ای آدم را می‌گیرد. آسمان را گه می‌کنم. درست بالای قله، سیاره عطارد در مرکز هلال ماه قرار گرفته و تابلوی شاهکاری از طبیعت خلق کرده هم‌جواری عطارد و ماه آن هم نوک قله پدیده نادری است که فقط سالی یکبار اتفاق می‌افتد. ما ناظر این پدیده بودیم. تهران از آن بالا نقطه‌ای است با چراغ‌هایی آشفته که برخلاف تمام پایتخت‌های دنیا، تابع هیچ معماری چشم‌نوازی نیست. جشن گرفته و به توجال برویم، تصمیم گرفتم راه را بازگردیم، و مسیر نفسگیر دیروز را کشان‌کشان پایین آمدم. بر خلاف صعود، پایین آمدن بسیار سخت‌تر از بالا رفتن است. قوه جاذبه به شدت تو را پایین می‌کشد و باید مراقب باشی پایت را محکم روی صخره‌ها بگذاری و فریب قوه جاذبه را نخوری. پایین آمدن خلاف جهت آب شناکردن است. روز جمعه کوهستان شل‌وخت از حد تصور بود. حتی کافه آبشار هم بر بود. از جوانان باشاطی که روی صخره‌ها لم داده می‌خندیدند.

به کسانی است که قصد دارند بالا بروند. نیروهای ما در طول مسیر از مجسمه کوهنورد تا پناهگاه شیرپلا، پناهگاه سنگ‌سیاه، قله توجال، ایستگاه پنج و هفت توجال، پناهگاه پلنگ‌چال و کلک‌چال مستقر شده به کسانی که تجهیزات کافی ندارند تاکید می‌کنیم برگردند چون صعود از اینجا به بعد بسیار سخت است و فقط کوهنوردان حرفه‌ای می‌توانند و می‌شناسند و از همه بهتر می‌چهرند.» می‌پرسم: امکانات ابتدایی اینجا کارتان را راه می‌اندازد؟ می‌گوید: «قوفا در زمستان اصلا جواب نمی‌دهد» **خوراکی‌ها را هنوز با قاطر تا این بالا می‌آورند**
کافه آبشار خلوت است و جز گروه ما کسی در کافه نیست. دور تا دور کافه را تخت گاشته‌اند، با حوضی آب و آبشار کوچکی ترین شده و روی دیوارها عکس‌هایی از «ختی» دیده می‌شود. می‌نشینم پای درد و دل «حافظ چهلگیر» که مالک کافه، پیرمردی باهرام و اهل دل. می‌گویم حیف که خیلی از کافه‌های بین راه تعطیل شدند. آه می‌کشد و می‌گوید: «ای خانم! اینجا الان باید غلغله باشه. ولی می‌بینی کساده به مالک و کارگر فشار میده. بیشتر کسانی که میان شیرپلا نسل جوونن. جوانایی که عقاید کوه‌اند اما حیجشون خرابه و نمی‌تونن توی کافه‌ها خرج کنن. خب وقتی کافه‌ها مشتری نداشته باشن تعطیل می‌شن

دیگه حقوق کارگراشون رو از کجا باید تأمین کنن؟» می‌گویم: «خب مردم چه کار کنن؟ آب معدنی اون پایین ۲۰۰۰تومنه ولی اینجا هزار تومن هم می‌فروشن.» می‌گوید: «بین دخترما امکانات حمل نداریم. تمام خوراکی‌ها رو هنوز با قاطر تا اینجا می‌بران. کجای دنیا اینجاوریه؟ فقط ماهی ۲۵۰ هزار تومن هزینه می‌پردازن و خوراک اون قاطر زبون‌ستسم. کار گرای کافه‌ها هم مشکل دارن. خیلی از کار گرای پایین از الموت قزوين میان؛ واسه روزی ۲۰ هزار تومن. طبیعیه که غذای کافه‌ها گرون‌تر باشه.»

طباب‌ها را پچسب و بالا برو

از دوراهی غارپلنگ به بعد صدای آبشار به سکوت ترسناک کوهستان اضافه می‌شود و صخره‌نوردی با شیب بسیار زیاد و نفسمان را می‌گیرد. با سیم بکسل، طباب، حفاظ‌های آهنی و پله‌هایی که در طول مسیر نصب شده، صعود آسان‌تر شده اما هنوز صعود از صخره‌ها و مسیر خطرناک است. شش دانگ حواس‌مان را جمع می‌کنیم. کسی حرف نمی‌زند. تجهیزات از اینجا به بعد بدجوری به دردمان می‌خورد. اگر به اینجا رسیدید خیلی مراقب و محتاط باشید تا پایتان سر نخورد. زندگی تان به طباب‌ها وابسته است. طباب‌ها را محکم بگیرد و خودتان از بالا بکشید. نایی نداریم و

قدرت بدنی‌مان کم آورد. این را از توقف‌های یخ‌ریزهای مان می‌توان فهمید. جز روبه‌های کوچولوی پایین دره‌ها، سرما و صدای آب چیز دیگری نیست. ۲۵ و ۱۹ دقیقه به شیرپلا می‌رسیم. قلای شیبیه شیر که از هر یالش آبشاری به پایین سرازیر می‌شود. ابهت و ابهام شیرپلا لحظه‌ای آدم را می‌گیرد. آسمان را گه می‌کنم. درست بالای قله، سیاره عطارد در مرکز هلال ماه قرار گرفته و تابلوی شاهکاری از طبیعت خلق کرده هم‌جواری عطارد و ماه آن هم نوک قله پدیده نادری است که فقط سالی یکبار اتفاق می‌افتد. ما ناظر این پدیده بودیم. تهران از آن بالا نقطه‌ای است با چراغ‌هایی آشفته که برخلاف تمام پایتخت‌های دنیا، تابع هیچ معماری چشم‌نوازی نیست. جشن گرفته و به توجال برویم، تصمیم گرفتم راه را بازگردیم، و مسیر نفسگیر دیروز را کشان‌کشان پایین آمدم. بر خلاف صعود، پایین آمدن بسیار سخت‌تر از بالا رفتن است. قوه جاذبه به شدت تو را پایین می‌کشد و باید مراقب باشی پایت را محکم روی صخره‌ها بگذاری و فریب قوه جاذبه را نخوری. پایین آمدن خلاف جهت آب شناکردن است. روز جمعه کوهستان شل‌وخت از حد تصور بود. حتی کافه آبشار هم بر بود. از جوانان باشاطی که روی صخره‌ها لم داده می‌خندیدند.

در انتظار روزهای خوب برای کوهنوردان

نه شهرداری؛ ما اختیاری نداریم چون حوزه شهری نیست و حوزه حریم است. برای تثبیت واحدهای تجاری شهری قانون داریم اما برای تثبیت واحدهای تجاری حریم، قانون نداریم. خیلی از آنان غیرقانونی ساخت‌وساز کرده‌اند به موجب قانون. هم نمی‌توانیم انتظاری داشته باشیم چون مالیاتی از آنان نمی‌گیریم. نظافت را هم خودمان انجام می‌دهیم در طرح جامع هم مدیریت کوهستان بر عهده شهرداری گذاشته شده است. ما پنجشنبه‌ها یک کوه باکیزه به مردم تحویل می‌دهیم و شنبه‌ها کوهستانی ملو از زباله تحویل می‌گیریم.» دیانت می‌گوید: «با اینکه مدیریت کوهستان با شهرداری است اما شرایط گشت‌زنی مداوم وجود ندارد و به دلیل بزرگی وسعت کوهستان در منطقه یک، هر روزه نمی‌توان گشت‌زنی داشت و برندها خود اقدام به نصب بیل‌بورد می‌کنند؛ کار کناران شهرداری که گشت‌زنی می‌کنند هیچ پشتوانه‌ای ندارند و برحسب علاقه به کوهستان گشت می‌زنند.»

راه‌اندازی ایستگاه‌های «دوستان کوهستان»

به گفته شهردار ناحیه کوهستان شهرداری منطقه یک، نصب نقشه‌های اطلاع‌رسانی در طول مسیر به همراه معارهای فرهنگی برای مردم به انجام رسیده و چهار ایستگاه دوستان کوهستان در دره، درند، کلک‌چال و دارآباد راه‌اندازی شده و در این ایستگاه‌ها افراد آگاه و کوهنوردان حرفه‌ای مستقر شده و اصول هفت‌گانه طبیعت‌گردی مسوولانه در کوهستان را آگاهی‌رسانی می‌کنند. قرارداد مربوط به اطلاع‌رسانی قبلا میان هیات کوهنوردی و سازمان مدیریت بحران بود اما امسال این قرارداد میان ما و هیات منعقد شده و امیدواریم برای پیشگیری از حادثه بتوانیم این فرهنگ‌سازی را هم از نظر زمانی و هم تعداد پایگاه‌ها توسعه دهیم.

ایستگاه دوستان کوهستان؛ پد شیرپلا در دست ساخت

طبق مصوبه شورایی شهر در سال ۸۶، ساماندهی امداد و نجات در ارتفاعات شمال شهر تهران بر عهده شهرداری گذاشته شده و متولی آن «سازمان پیشگیری و مدیریت بحران» و «شهرداری منطقه یک» است. دیانت تاکید می‌کند: «هر اسان این مصوبه، بازسازی و به‌سازی پایگاه امداد و نجات را انجام دادیم و پدهای هلی کوپتری را

در شهر

آلودگی چیست؟

■ آلودگی عبارت است از هر گونه تغییر در ویژگی‌های اجزای شکل محیط به طوری که استفاده بیشتر از آنها ناممکن شود و به طور مستقیم یا غیرمستقیم منافع و حیات موجودات زنده را به مخاطره اندازد. آلوده‌کننده‌ها معمولاً در اثر فعالیت‌های انسانی پدید می‌آیند.

آلودگی شهری

منابع مختلفی برای آلوده شدن محیط‌های شهری وجود دارد که تمامی آنها به تخریب محیط‌زیست و زندگی بشر منجر می‌شود. مانند آلودگی هوا، آلودگی صوتی، آلودگی نوری و آلودگی بصری و روانی ناشی از رشد نازیبایی و نبود فضای مناسب که باعث آراش و رضایت شهروندان باشد.

انواع آلاینده‌های شهری

آلودگی هوا: به معنای مخلوط شدن هوا با گازها، قطرات و ذراتی است که کیفیت هوا را کاهش می‌دهند. **آلودگی صوتی:** در اثر ارتعاش مولکول‌های هوا و تغییرات مداوم فشار، صوت به وجود می‌آید. این امواج به صورت طولی در هوا منتشر شده و در محدوده فرکانسی معینی می‌تواند توسط انسان قابل درک باشد. بنابراین امواج صوتی شکلی از امواج مکانیکی هستند که به صورت امواج طولی منتشر شده و ضمن برخورد با گوش، احساس شنیدن را ایجاد می‌کنند. امواج مکانیکی می‌توانند به صورت فرکانس‌های متفاوت در محیط منتشر شوند، اما محدوده فرکانس‌های قابل درک برای انسان بین ۲۰ تا ۲۰هزار هرتز است. امواج کمتر از ۲۰ هرتز را مادون صوت و امواج بیش از ۲۰هزار هرتز را فراصوت گویند. سروصدا یا آلودگی صوتی را می‌توان به صورت صدای ناخواسته دانست که موجب برهم زدن آرامش، در زمان استراحت یا تمرکز افراد حین انجام کار می‌شود، به همین دلیل صدای موسیقی نیز اگر در یک موقعیت و زمان نامناسب اجرا شود به عنوان منبع آلودگی صوتی درنظر گرفته می‌شود. ولی از نظر زیبایی‌شناسی و آراش در محیط شهر، عوامل برهم زنده تناسب و کیفیت بصری جزو مهم‌ترین عناصر نازیبایی و در نتیجه نارضایتی شهروندان است.

آلودگی نوری چیست؟

هر گاه با نور مصنوعی رفتار نادرست و غیراستاندارد صورت گیرد، آلودگی نوری پدید می‌آید. در حقیقت اگر اعتقاد به میانه‌روی در مصرف هر چیز داشته باشیم استفاده از نور نیز حد و اندازه خود را دارد. پس استفاده بیش از اندازه از نور، تولید آلودگی نوری می‌کند. بسیاری از ساکنان شهرهای بزرگ تصور می‌کنند که کم‌فروغی ستاره‌ها در شهر حاصل آلودگی هواست. اینها ناخودآگاه تقصیر هر معطل زیست‌محیطی را به گردن هوا انداخته، چراکه آلودگی آن مشهودتر از دیگر عوارض است. برای یافتن علت اصلی، می‌توان این‌طور تصور کرد که تنها چیزی از جنس خود ستاره یعنی نور می‌تواند دیدار آن را مختل کند. چیزی شبیه نور خورشید (البته در روز چنین است) با نور ماه نور...

بنابراین نورهای مصنوعی را که در زمان یا مکان نامناسب از استاندارد خود خارج شده و با کیفیت نامطلوب محیط‌زیست و آسمان شب را آزاردهنده و آلوده می‌کنند آلودگی نوری می‌نامیم. قرار گرفتن طولانی مدت انسان در زیر نور مصنوعی به علت وجود اشعه مادون قرمز و ماورای‌بنفش باعث آسیب‌های چشمی می‌شود. نورهای مزاحمی مانند چراغ خواب‌ها یا نورهایی که از پنجره در هنگام خواب وارد اتاق می‌شود، باعث بوز استرس و کاهش تمرکز فکر در انسان می‌شود و در دراز مدت باعث تضعیف دستگاه ایمنی بدن و افزایش احتمال ابتلا به انواع سرطان از جمله سرطان‌های پوستی، جوش‌زدگی، رنگ‌پریدگی و سرطان سینه در زنان می‌شود. از انواع دیگر آلودگی نوری می‌توان به خبرگی اشاره کرد. هنگامی که پرتو مستقیم یک منبع نور یا شدت زیاد در محور دید عیاران یا رانندگان قرار می‌گیرد، این پدیده رخ داده و سبب کم‌شدن دید و نارضایتی عابران و رانندگان می‌شود وخطر تصادفات را هنگام رانندگی افزایش می‌دهد. چراغ‌های ترابری که توسط شهرداری‌ها در کنار خیابان‌ها جهت ایجاد زیبایی مصنوعی به کار می‌روند نیز می‌تواند باعث خیرگی یا خستگی چشم راننده شود. در حقیقت به جز آسفالت خیابان و تابلوهای راهنمایی، راننده نباید هیچ نور دیگری را در میدان دید خود ببیند. این یعنی توجه به زاویه و مقدار تابش خیرگی را به راحتی می‌توانید زمانی تجربه کنید که از لابلای ترافیک در مراکز فروش میوه و ترمبار، بوتیک‌ها یا سوپرمارکت‌ها بدون هیچ‌گونه پوشش یا محافظ جلو در استفاده می‌شود. همچنین نور بیش از اندازه آستانه تحمل ساعت درونی بدن را که کنترل‌کننده سیستم‌های زیستی و ریتم‌های رفتاری است، کاهش داده و موجب افسردگی نیز می‌شود.

عوامل آلودگی نوری

هر گونه منبع نور که باعث شود نور به سمت بالا (آسمان) جایی که واقعا مورد نیاز نیست، هدایت شود، موجب آلودگی نوری می‌شود. این اتفاق به دلایل زیر رخ می‌دهد: منابع نوری غیرضروری؛ منابع نوری که به منظور مفیدی ایجاد نشده‌اند یا در زمان‌های مورد استفاده قرار می‌گیرند که نیازی به روشنایی آنها نیست. منابع نوری که درخشندگی بیش از حد منابع نوری که درخشندگی بیش از میزان مورد نیاز دارند. طراحی نامناسب لامپ‌های شهری؛ اغلب دیده می‌شود، لامپ‌های شهری بدون سرپوش یا با سرپوش‌های نامناسب طراحی شده‌اند. نورپردازی نامناسب؛ به معنای ایجاد منابع نوری مختلف در ترکیب‌ها و موقعیت‌های نامناسب است. با نگاهی به نورپردازی شهرها متوجه می‌شویم که نورپردازی نامناسب بافت‌های قدیمی‌تر مراکز تجاری و خرید و شهرها عمدتاً موجب آلودگی نوری می‌شود.

منبع: سازمان زیباسازی شهر تهران



نگاره: مهدی حسینی، شیرپلا